

بررسی رابطه میزان پرخاشگری در عملکرد مدیران موسسات ورزشی و غیرورزشی

دکتر اصغر مشبکی - سارا کشکر

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس - دانشجوی مقطع دکترای مدیریت ورزش

چکیده:

بروز رفتارهای خشونت بار و پرخاشگرانه در میادین ورزش حرفه ای، موضوع مهمی است که توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب نموده است و از آنجا که بسیاری از صاحب نظران معتقدند که ورزشکاران حرفه ای تمایل به رفتارهای خشونت آمیز داشته و این رفتار را به زندگی اجتماعی خود نیز منتقل می کنند، محقق را برآن داشت تا به بررسی وجود تمایلات و رفتارهای پرخاشگرانه و نیز میزان کنترل و بروز این نوع رفتارها در آن دسته از مدیران موسسات ورزشی که سالیان متمادی در صحنه ورزش حرفه ای کشور فعالیت داشته اند بپردازد و از این نظر آنها را با مدیران سایر موسسات مقایسه نماید و از آنجا که مدیران مسئولیت بسیار خطیری برعهده دارند، شاید نتایج این تحقیق بتواند در انتخاب و یا آموزش مدیران مفید واقع شود.

در این تحقیق تعدادی از مدیران ورزشی و غیرورزشی به پرسشنامه خشم و کنترل خشم پاسخ دادند و نتایج پس از تجزیه و تحلیل داده ها که با استفاده از آمار توصیفی - مقایسه ای و بکارگیری آزمون همگنی کای اسکوتر حاصل شد، نشان دهنده عدم وجود تفاوت در میزان خشم و تمایل به پرخاشگری و نیز میزان تأثیر و بروز آن در جامعه و کنترل این نوع رفتار در دو گروه بود.

کلید واژه ها: پرخاشگری، مدیران ورزشی، خشونت در ورزش، پرخاشگری در ورزش

مقدمه:

از دیرباز ورزش به عنوان وسیله‌ای مؤثر در حفظ سلامت و بهداشت روانی انسان شناخته شده است. خصائل پهلوانی گویای این امر است که ورزش از انسانها، افرادی چون پوریای ولی، تختی و... و اسطوره‌هایی چون رستم، سهراب، افراسیاب و... که اسوه جوانمردی، ایثار، شجاعت، شهامت، کنترل بر نفس و... می‌باشند، می‌سازد.

در کشور ما از دیرباز زورخانه‌ها به منزله محلی برای تزکیه و تهذیب نفس با استفاده از ورزش شناخته شده است. در دنیای پرتنش امروز که انسانها با سرعت فوق العاده در حرکتند تا محلی برای سکون و آرامش بیابند، ورزش می‌تواند آنها را به مأمون مورد نیازشان هدایت کند.

علی‌رغم اینکه ورزش تواناییهای جسمانی و روانی انسانها را به سمت بهینگی پیش می‌برد، اما از طرفی امروزه شاهد هستیم که میادین ورزشی محل ظهور رفتارهای خشونت‌آمیزی است که دل هر بیننده از دیدن آن پریشان می‌گردد و بسیاری از صاحب‌نظران بروز چنین رفتارهای خشونت‌آمیزی را از ملزومات فعالیت‌های ورزشی می‌دانند. در بسیاری از تحقیقات مشخص شده است که ورزشکاران حرفه‌ای رفتارهای خشونت‌آمیزی را که در میادین مسابقه به منصه ظهور می‌گذارند، در عرصه زندگی نیز بکار می‌برند و به نظر بسیاری از صاحب‌نظران اعمال چنین رفتارهای خشونت‌آمیزی در زندگی عادی ورزشکاران حرفه‌ای به نسبت افراد عادی در درجات بالایی قرار دارد و تفاوت قابل ملاحظه‌ای از این نظر بین ورزشکاران حرفه‌ای و غیرورزشکاران وجود دارد.

در ورزش بندرت موضوعی یافت می‌شود که به اندازه پرخاشگری و خشونت قابل توجه باشد و این امر سؤالاتی در ذهن ما پدید می‌آورد نظیر اینکه چرا فعالیت‌های ورزشی اغلب با رفتارهای پرخاشگرانه همراه است؟ و در این مورد چه کاری می‌توان انجام داد؟ آیا افرادی که سالیان متمادی به فعالیت ورزشی حرفه‌ای مشغولند میزان تمایلات خشونت‌آمیزشان نسبت به سایر افراد بیشتر است؟ و در صورتیکه پاسخ مثبت باشد، پس ممکن است اگر این افراد در سمتهای کلیدی جامعه فعالیت کنند، پرخاشگری آنها در عملکردشان و ارتباطشان با سایرین تأثیر گذارد؟ و آیا میزان کنترل پرخاشگری در این افراد نسبت به سایرین بیشتر است؟



از آنجا که فعالیتهای ورزشی و استفاده مؤثر از آن در هر کشوری نیاز به مدیران ورزشی آزموده دارد تا تمامی مردم بتوانند از ورزش در جهت بهسازی زندگی خود مدد گیرند، و از طرفی با توجه با اینکه ورزش حرفه‌ای با توجه به نظر بعضی از صاحب‌نظران موجب رفتارهای پرخاشگرانه می‌شود، این سؤال مطرح می‌شود که اگر مدیران ورزشی جامعه از بین ورزشکاران حرفه‌ای انتخاب شوند، آیا اثر سالیان متمادی شرکت در فعالیتهای ورزشی حرفه‌ای موجب شده است که اولاً آنها رفتارهای خشونت‌آمیز بیشتری نسبت به سایر مدیران داشته باشند، آیا وجود تمایلات پرخاشگرانه در عملکرد مدیران ورزشی تأثیر بیشتری نسبت به مدیران غیرورزشی دارد؟ مدیران ورزشی تا چه اندازه توانایی کنترل خشم خود را دارند؟

بررسی این موضوع، اهمیت بسیاری جهت انتخاب مدیران شایسته در امر مدیریت ورزش کشور فراهم می‌سازد و هدف این تحقیق بررسی و مقایسه وجود تمایلات و رفتارهای پرخاشگرانه و نیز کنترل آن در بین مدیران ورزشی و مدیران غیرورزشی در دانشگاههای کشورمان و نیز تأثیر آن بر عملکرد ایشان می‌باشد. به این منظور ابتدا باید از وجود تمایلات پرخاشگرانه در دو گروه اطمینان حاصل می‌شد و سپس به بررسی تفاوت آنها در میزان این تمایلات و نیز اثر آن در عملکرد ایشان و نیز نحوه ارتباط آنها با سایرین و در نهایت تفاوت دو گروه در میزان کنترل خشم و پرخاشگری پرداخت. این تحقیق به منظور نیل به اهدافی که در زیر درج شده، انجام گرفت.

۱- بررسی وجود و یا عدم وجود تمایلات و رفتارهای پرخاشگرانه در مدیران ورزشی و غیر ورزشی
۲- مقایسه میزان رفتارهای پرخاشگرانه در بین مدیران ورزشی و غیرورزشی
۳- بررسی و مقایسه میزان تأثیر رفتارهای پرخاشگرانه در عملکرد مدیران ورزشی و غیرورزشی
۴- بررسی و مقایسه توانایی کنترل خشم در بین مدیران ورزشی و غیرورزشی

مطالعه تحقیقات و تجربیات صاحب‌نظرانی که در زمینه‌هایی مشابه با موضوع این تحقیق بررسیهای ارزشمندی داشته‌اند، موجب بروز فرضیه‌هایی گردید که ذیلاً به ارائه آنها پرداخته می‌شود.

- ۱- بین مدیران ورزشی و غیرورزشی از نظر وجود تمایلات پرخاشگرانه تفاوتی وجود ندارد.
- ۲- بروز رفتارهای پرخاشگرانه و تأثیر آن بر عملکرد مدیران در بین دو گروه تفاوتی ندارد.
- ۳- میزان کنترل خشم و رفتارهای پرخاشگرانه بین دو گروه تفاوتی وجود ندارد.

پرخاشگری و خشونت چیست؟

انسان موجودی سلطه طلب و خطرناک است، شاید یکی از خطرناکترین موجودات روی زمین باشد. این موجود از ترکیب تواناییهای ذهنی و تناسب عضلانی و چالاکتی خویش توانسته است با بی‌رحمی اما مهارت به چنین مرتبتی از قدرت

دست یابد. اما حتی همین ویژگیها به تنهایی ضامن استیلا و بقای او نیستند. در ورای همه اینها نیرویی عظیم و پویا نهفته است که او را به رقابت، پیروزی و موفقیت سوق می‌دهد.

هرگاه مانعی در برابر این نیرو قرار گیرد و یا جریان آن به نحوی مختل شود، این نیروی نهفته به جای آنکه تحلیل برود، وسعت می‌یابد و تقویت می‌گردد. نتیجه این تقویت خشم است و وقتی خشم عرصه تاخت و تاز می‌یابد و رفتارهای خشونت آمیز و پرخاشگرانه را موجب می‌گردد، عقل سلیم، آداب پسندیده، احترام به قانون و جامعه به باد فراموشی سپرده می‌شود.^۱

رفتار پرخاشگرانه که نتیجه عدم توانایی در کنترل خشم است و به دامنه وسیعی از رفتارهای مختلف اشاره دارد و برای تشریح رفتارهای خشونت‌آمیز استفاده می‌شود، عبارت است از:

هر رفتاری که به قصد صدمه زدن به شیء یا فرد دیگری با استفاده از جسم یا کلام، انجام گیرد را پرخاشگری گویند.

این تعریف چند نکته کلیدی در بر دارد: اولاً پرخاشگری همراه با رفتار می‌باشد پس آزار و اذیت آرزوی یک فرد پرخاشگری نیست. دو ما پرخاشگری با قصد و نیت همراه می‌باشد و صدمات اتفاقی پرخاشگری نامیده نمی‌شود. اما اعمالی که به قصد صدمه زدن به شیء یا فرد دیگری انجام می‌گیرند بدون توجه به اینکه این اعمال با موفقیت انجام می‌شوند یا نه، پرخاشگری هستند و بالاخره اینکه پرخاشگری با صدمات و جراحات همراه است. این صدمات ممکن است به حملات جسمانی محدود نشود بلکه ممکن است شامل حملات کلامی باشد که هدفش ایجاد دستپاچگی و عدم کنترل عصبی فرد دیگری می‌باشد. این تعریف می‌تواند، شامل تخریب اموال و امکانات نیز باشد.^۲

۱- رضاخانی ۱۳۷۹.

۲- کشکر ۱۳۷۴، ص ۷۰.

رفتار پرخاشگرانه تحت تأثیر عوامل مختلفی تضعیف یا تقویت می‌شوند. این عوامل عبارتند از:

- ۱- عوامل اجتماعی: مثل تأیید یا تنبیه رفتار پرخاشگرانه توسط اطرافیان
- ۲- عوامل موجود در رفتار: که یا غریزی هستند و شامل بازخورد طبیعی از یک پاسخ است و یا مصنوعی هستند که اطلاعاتی است که فرد از محیط و در مورد رفتارش کسب می‌کند.
- ۳- تقویت کننده‌های داخلی مثل انگیزه‌های داخلی و یا مشاهده رفتار دیگران
- ۴- عوامل مادی مثل پاداشهای محسوس نظیر پول، هدیه و...
- ۵- تقویت کننده‌های ژنتونی: که عبارتند از تقویت‌های مادی یا سمبولیک که با تقویت‌های دیگری که ارزش بیشتری دارند، تعویض می‌گردند.^۱

روش انجام تحقیق:

این تحقیق با روش تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای و با استفاده از آمار استنباطی انجام شده و برای تجزیه تحلیل اطلاعات از آزمون همگنی کای اسکوتر استفاده گردیده است. جامعه نمونه این تحقیق عبارت بود از تعداد ۴۵ نفر مدیر ورزشی (مدیران دانشکده‌های تربیت بدنی و فوق برنامه تربیت بدنی و باشگاههای ورزشی دانشگاهها) دانشگاههای شهر تهران، مازندران و اهواز که حداقل ۵ سال سابقه مدیریت ورزشی داشته و خود از ورزشکاران زبیده و حرفه‌ای کشور بوده‌اند و ۴۶ نفر از مدیران غیرورزشی (مجموعاً ۹۱ نفر) که با روش تصادفی انتخاب شدند که با پاسخگویی به دو پرسشنامه استاندارد شده خشم و کنترل خشم در انجام این پژوهش همکاری کردند.

ابزار اندازه‌گیری:

ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق دو پرسشنامه استاندارد شده خشم و کنترل خشم بود که هر یک به ترتیب دارای ۲۴ و ۶ سؤال بوده است. پرسشنامه خشم دارای سؤالاتی با سه گزینه الف، ب، و ج بود که انتخاب هر یک از این گزینه‌ها امتیازی به همراه داشت که میزان این امتیاز از دستورالعمل پرسشنامه اخذ گردید و با راهنمای تحلیل آن، سؤالات به دو قسمت

تفکیک می‌گردید. بخش اول سطح خشم آزمودنی را به هنگام تظاهر موقعیتی خشم برانگیز ارزیابی می‌کرد و سه گروه نمره ارائه می‌داد که به ترتیب زیر هر یک گویای مفهوم خاصی بودند:

نمره ۵ تا ۱۰

این امتیاز پایین نشانه آن است که بنا به دلایلی آزمودنی از خشم خود و دیگران می‌هراسد. اگر امتیاز آزمودنی ۷ یا کمتر از آن است، شاید حتی آزمودنی بر این باور می‌باشد که فردی است که هرگز خشمگین نمی‌شود.

نمره ۱۱ تا ۱۷

این یک امتیاز متوسط و طبیعی است. آزمودنی از خشم خود آگاهی دارد و در موقع مناسب آن را بروز می‌دهد. بطور کلی آزمودنی خشمگین نیست اما از آنجا که سعی می‌کند منطقی باشد، مانع از تظاهر کامل احساسات خود می‌شود.

نمره بیش از ۱۷

آزمودنی هیچ مشکلی در ابراز خشم خود ندارد. بدین معنی که جلوی احساسات خود را نمی‌گیرد و این امر خوب است. اما ممکن است در نظر دیگران، فردی متخاصم و تهدید کننده جلوه کند. گاهی نیز ممکن است احساس کند که هیجانات وی خارج از کنترل است. پس با مطالعه مطالب فوق مشخص می‌گردد که افراد دو گروه اول و دوم رفتارهای پرخاشگرانه را بروز نمی‌دهند. هر چند که تمایلات پرخاشگرانه کم و بیش در آنها وجود دارد.

بخش دوم میزان ابراز خشم آزمودنی را در زندگی شخصی و خانوادگی و موقعیتهای اجتماعی و کاری نشان می‌دهد.

اگر جمع امتیازات آزمودنی در این بخش بیش از ۷۵ باشد، در گروه افرادی جای می‌گیرد که خشم خود را به طرزی آشکار بروز می‌دهند و اگر کمتر از ۵۰ است در میان گروهی قرار می‌گیرد که خشم خود را فرو می‌خورند. امتیاز بین ۵۱ تا ۷۴، آزمودنی را در گروه افرادی قرار می‌دهد که خشم خود را کنترل می‌کنند.

پرسشنامه کنترل خشم که جمعا حاوی ۵ سؤال بود که هر یک از سؤالات دارای دو گزینه بلی و خیر بود که پاسخ مثبت آزمودنی به سه سؤال اول برای هر مورد یک امتیاز و پاسخ منفی



به هر یک از دو سؤال آخر نیز یک امتیاز دارا خواهد بود و اگر مجموع امتیازات آزمودنی ۳ یا بیش از آن باشد، قدر مسلم خشم بر آزمودنی حکم می‌راند.

روش جمع آوری اطلاعات:

پرسشنامه تحقیق که عبارت از دو پرسشنامه خشم و کنترل خشم بود ابتدا در بین ۱۰۰ آزمودنی توزیع شد که ۵۰ نفر آنها از مدیران دانشکده‌ها و فوق برنامه تربیت بدنی و باشگاههای وابسته به دانشگاههای استان تهران، مازندران و اهواز بودند و الزاما دارای سابقه قابل ملاحظه در فعالیت ورزشی حرفه ای بودند و حداقل ۵ سال سابقه مدیریت در سازمانهای ورزشی را داشتند بطور تصادفی انتخاب شدند و تعداد ۵۰ نفر دیگر از مدیران سایر مؤسسات بودند که هر یک حداقل ۵ سال سابقه مدیریت داشته و هیچیک در طول زندگی خود در فعالیتهای ورزشی حرفه ای مشارکت نداشتند، بطور تصادفی برگزیده شدند.

پرسشنامه های تحقیق به افراد جامعه نمونه ارائه گردید و تازیبی برای بازپس گرفتن پرسشنامه‌ها تعیین شد که محقق خود به افراد مراجعه و اقدام به جمع آوری پرسشنامه نمود. در نهایت تعداد ۹۱ پرسشنامه جمع آوری گردید و تعداد ۹ پرسشنامه عودت داده نشد.

پاسخهای آزمودنیها به هر دو پرسشنامه بررسی و امتیازات آنها در هر قسمت، محاسبه و فراوانی امتیاز هر فرد در هر گروه در جدول زیر ثبت گردید:

گروه و متغیر	تمایل به پرخاشگری	عدم تمایل به پرخاشگری	بروز پرخاشگری	عدم بروز پرخاشگری	کنترل خشم	عدم کنترل خشم
ورزشکار	۱۱	۳۴	۷	۳۸	۳۶	۹
غیرورزشکار	۸	۳۸	۵	۴۱	۲۳	۲۳
جمع	۱۹	۷۲	۱۲	۷۹	۵۹	۳۲

جدول (۱) فراوانی امتیازات دو گروه مدیران ورزشکار و غیرورزشکار در هر یک از متغیرهای آزمون

برای محاسبه نتایج و تحلیل اطلاعات از روش آزمون همگنی کای اسکوتر استفاده شد که در صفحات آتی، به تشریح آن اقدام گردیده است.

پیشینه تحقیق:

بررسی پیشینه تحقیق، معمولاً نقدی از دانش موجود درباره موضوع پژوهش فراهم می‌آورد و اگر به درستی صورت پذیرد به بیان مسئله کمک می‌کند و یافته‌های تحقیق را به پژوهشهای قبلی متصل می‌سازد.

در زمینه موضوع مورد نظر در پژوهش حاضر، تحقیقی در ایران صورت نگرفته است یا حداقل بهتر است گفته شود که علی‌رغم کوششهای بسیار، تحقیقی نظیر موضوع مورد مطالعه یافت نگردید و خلاصه تحقیقاتی که در زیر ارائه می‌گردد، عمدتاً از کتب، پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و گزارش تحقیقات خارجی بدست آمده که توسط محقق ترجمه و بهره‌برداری شده است. در زمینه خصوصیات اخلاقی و مختصات بدنی تحقیقاتی توسط توسط لومبروزو (Lomborzo) در پایان قرن ۱۹ انجام شد و به این نتیجه رسید که نقصان حساسیت اخلاقی نتیجه عوامل بدنی است و درباره مغز جنایتکاران بررسیهایی کرده است. در تحقیقات او مشخص شد که افراد دارای مزاج فعال و پرجوش و خروش، بیشتر تن به جرم و خشونت می‌دهند.^۱

در تحقیقی که توسط بلانچارد (Blanchard 1946) انجام شد، او پس از دو سال مطالعه بر روی جمعیت نمونه‌ای از افراد ۸ تا ۱۱ ساله با استفاده از تمرینات بدنی نتایج مطلوبی حاصل شد و مشخص گردید که دختران نسبت به پسران برتری معنی‌داری را در تحصیل صفات اخلاقی و شخصیتی نشان داده‌اند. نتایج او نشان داد که ورزش برای زنها بسیار سودمندتر از مردان است و این شاید به آن معناست که زنها با ارزشهای زنانه‌ای که خودشان برگزیده‌اند، بهتر مشخص شده‌اند.

نقش یک مربی در اینکه ورزشکاری رفتار اخلاقی نشان دهد یا نه بسیار مهم است. مربی باید طوری رفتار کند که بازیکن برای انجام رفتار پرخاشگرانه خود با این نگرانی مواجه باشد که شاید مربی‌اش او را از تیم اخراج کند. نقض قوانین تیم، شکست در تمرینات جدی، اشتباه در یک بازی و مهمتر از همه در تیم، هر یک می‌تواند تهدیدی برای ارزشهای اخلاقی باشد.



چنین تهدیداتی می‌تواند در ایجاد رضایت برای افزایش سلامتی و رفاه خود و سایرین مؤثر باشد.^۱

در رابطه با خشونت تماشاچیان و مربیان تیمهای ورزشی میدزین میریام^۲ تحقیقی انجام داده است و اینطور گزارش داده است: هر فردی که تاکنون تجربه تماشای یک مسابقه را داشته است، شاهد سوء استفاده های جنسی از زنان، زدو خورد بین غریبه‌ها و حتی دوستان و کاهش سطح اخلاق نژادی و دینی بوده اند و حتی خشونت بین ورزشکاران خشونت بین تماشاچیان را شدت می‌بخشد. در بسیاری از موارد دیده شده است که مربی تیم فقط به برد تیم توجه داشته و بازیکنان را تحت فشار شدید قرار می‌دهد و بازیکنان جهت دستیابی به برد به هر عملی حتی خشونت به تیم مقابل اقدام می‌نمایند.

طبق تحقیقات میریام سالانه در اجلاس انجمنهای ملی بازیکنان هاکی در آمریکا، خشونت همیشه یک موضوع بزرگ و مهم است و بازیکنان از صاحبان باشگاهها و مسئولین درخواست می‌کنند به آنها آزادی بیشتری دهند، اما صاحبان باشگاهها و مسئولین این تقاضا را رد می‌کنند و دست از ترغیب خشونت بر نمی‌دارند. چون معتقدند که این خشونت تماشاچیان را به دیدن بازی جلب می‌کند و بازیکنانی که تمایل به شرکت در اعمال خشونت آمیز را ندارند، از تیم اخراج می‌شوند.

در تحقیقی که دکتر اد شیلدز^۳ انجام داد مشخص گردید که تهدید و خشونت در بین ورزشکاران مدارس و دانشگاههای کارولینای شمالی در رشته‌های فوتبال، بسکتبال، کشتی، فوتبال آمریکایی و بیسبال امری معمول و متعارف می‌باشد.

طبق تحقیقات چارلی آدامز^۴ و همکاران او، که بر رفتارهای خشونت آمیز و اخلاقی در بین ورزشکاران حرفه‌ای و غیرورزشکاران انجام گردیده بود، مشخص گردید که سطح رفتارهای پرخاشگرانه و غیراخلاقی در بین ورزشکاران بطور قابل ملاحظه‌ای بالاتر از غیرورزشکاران بود.

تحقیق مشابهی توسط آل بوهلر^۵ انجام شده است. او پس از بررسیهای طولانی بر اعضای

1- Alchin 1999

2- Miriyam 1991

3- 1996 Dr. Ed Sheilds

4- Charlie Adams 1997

5- Al Buehler 1998

تیمهای دوومیدانی معتقد است که امروزه صفات اخلاقی در بین ورزشکاران کمتر یافت می‌شود. او معتقد است که بازیکنان، طرفداران تیمها و سایر دست اندرکاران منجر به ایجاد عدم اعتماد، بازی نامطبوع و رفتارهای خشن می‌شوند.

گری بولر^۱ با بررسی ورزش حرفه ای معتقد است در ورزشهای حرفه ای و ورزشکاران حرفه ای رعایت موازین اخلاقی بسیار کاهش یافته است. زیرا رسانه های گروهی با برآه انداختن تبلیغات به نفع بازیکن یا تیم خاصی موجب ایجاد بهای کاذب به آن فرد یا تیم می‌شود. بازیکنی که سرمایه دارانی با او قرارداد بازی بسته اند، خود را محق می‌داند هر رفتاری را در زمین انجام دهد و حتی به داور ناسزا گوید و مطمئن باشد که از تیم اخراج نخواهد شد. در تحقیق دیگری از شیلدز (۱۹۹۸) مشخص شد که بسیاری از ورزشها بی نظیر اسکیت که بصورت ورزش حرفه ای درآمده اند، با رفتارهای افراط آمیز همراه هستند. میزان پولی که برای این مسابقات پرداخت می‌شود به شکل ناشایستی زیاد است و همین امر باعث از بین رفتن حس اخلاقی بازیکنان می‌شود. بسیاری از بازیکنان حرفه ای بسکتبال معتقدند که آنها می‌توانند به مربی خود فشار آورند، عکاسان را مورد ضرب و شتم قرار دهند و به داوران حمله ور شوند، بدون اینکه از طرف کسی که دستمزد می‌گیرند، توبیخ شوند و یا شانس دریافت میلیونها دلار را به خطر بیندازند.

تیم استیونز^۲ معتقد است که قهرمانان ورزشی و ورزشکاران حرفه ای دارای رفتارهای نادرست هستند و از نظر رفتاری ضعیف عمل می‌کنند. او مثالهایی از بازیکنان بسکتبال آمریکا ارائه می‌دهد که با خشونت و عصبانیت بازی می‌کنند و حتی مربیانی را نام می‌برد که در موقع بازی بدترین رفتار را با بازیکنان دارند و بر سر آنها فریاد می‌زنند و ناسزا می‌گویند و حتی وقتی از قضاوت داور نازاحت می‌شوند صندلی خود را به وسط زمین پرتاب می‌کنند.

با اینکه ادعا می‌شود که فعالیتهای ورزشی موجب رشد شخصیت، یادگیری اجتماعی و اخلاق فرد می‌گردد، اما طبق نتایج تحقیقات فوق متوجه می‌شویم که مدارک محکمی برای اثبات آن در دست نیست و ما رفتارهای پرخاشگرانه را به وفور در بین ورزشکاران حرفه‌ای می‌بینیم. بنابراین، ما می‌توانیم رفتارهای پرخاشگرانه، تفاوت‌های

1- Gerry Bowler 1998

2- Tim Stevens 1998



نزادی و جنسی را به راحتی بیابیم. در ورزش است که فوق العاده بودن ورزشکاران سیاه پوست و حقارت و ضعف زنان ورزشکار را براحتی می‌توانیم ببینیم. خشونت و کلمات زشت و ناسزاهای نامطلوبی که در خیابانها افراد مجاز به استفاده از آن نیستند، در ورزش حتی در حیطه قانون قابل استفاده است. لذا رفتار پرخاشگرانه و خشونت آمیز به هر دلیلی در بین ورزشکاران حرفه ای بسیار مشهود و قابل استفاده است.

در شرکتهای غربی برای شناسایی کارکنان و مدیرانی که ظرفیت پرخاشگری آنها کم است و خیلی زود رفتار پرخاشگرانه نشان می‌دهند، متخصصین و تستهایی وجود دارد که آنها را در بدو ورود به شرکت ارزیابی می‌نماید و این افراد را شناسایی می‌کند (۱۱).

در تحقیقی که توسط ویکتور جوکین، ریچارد آروی و مت مک گپو بر ۴۸۹ نفر کارمند مرد ۳۲ تا ۳۶ ساله انجام شد و در پی پاسخگویی آنها به پرسشنامه ارزیابی پرخاشگری و نیز شرکت در تستی که رفتارهای ضد اجتماعی گذشته آنها و نیز اعتیاد به الکل را در آنها نشان می‌داد، مشخص شد که: پرخاشگری در محل کار و نیز زدوخورد های محل کار رابطه معناداری با متغیرهای معین شخصیتی افراد (واکنشهای اضطرابی، پرخاشگری و کنترل) و نیز رفتارهای ضد اجتماعی گذشته آنها و اعتیاد به الکل دارد.

خطر خشونت در محل کار موضوعی جدی است و باید کارکنان در این جهت آموزش لازم را ببینند که بتوانند در زمان وقوع خشونت در محل کار به شکلی رفتار کنند که باعث کاهش خشونت شوند و یا احتمال خطر زخمی شدن یا آسیب را کاهش دهند.

هزینه جلوگیری از خطرات خشونت در محل کار در آمریکا طبق نتایج تحقیق OSHA چیزی حدود ۲۵۰۰۰ دلار می‌باشد.

در دهه اخیر تحقیقات نشان می‌دهند که میزان مرگ و میر در اثر خشونت در محل کار، در حال افزایش است و مرگ زنان در آمریکا به علت خشونت محیط کار دومین علت مرگ و میر زنان در این کشور است. طبق تحقیقاتی که در سال ۱۹۹۲ انجام شد، بطور میانگین در هر روز ۳ نفر در محل کارشان به قتل می‌رسیدند. این آمار نشان می‌دهد در ۴۴٪ موارد مشتریان، در ۲۴٪ موارد افراد غریبه، ۲۰٪ موارد کارکنان، ۷٪ موارد رؤسا و فقط ۳٪ موارد کارکنان رسمی علت حمله و خشونت می‌باشند.

تعداد افرادی که در سال ۱۹۹۸ در آمریکا به علت خشونت و پرخاشگری در محل کارشان

مردند ۶۰۲۳ نفر بودند و در سال ۱۹۹۸ این تعداد تا حدودی کاهش داشت (۳۲ نفر کاهش داشت).

طبق تحقیقات مرکز آمار بریتانیا ۱/۳ میلیون از اتفاقات مزبوط به محل کار، سالانه در بریتانیا اتفاق می افتد که این اتفاقات ممکن است موجب جراحات بدنی و همینطور اضطراب و استرس برای افرادی که با آن مواجهند، گردد.

بحث و نتیجه گیری:

در این بخش به تجزیه و تحلیل اطلاعات پژوهش پرداخته می شود. همانطور که در جدول شماره (۱) مشهود است آزمودنیها با پاسخگویی به پرسشنامه های تحقیق در سه متغیر آزمون شدند که در هر یک از متغیرها هر آزمودنی امتیازی کسب نمود که فراوانی تعداد آزمودنیها در هر متغیر در این جدول ثبت شده است. متغیرهای تحقیق عبارت بودند از:

- ۱- وجود تمایلات پرخاشگرانه در بین مدیران ورزشی و غیرورزشی
- ۲- میزان بروز رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت آمیز در دو گروه مدیران ورزشی و غیرورزشی

۳- میزان کنترل رفتارهای پرخاشگرانه در دو گروه مدیران ورزشی و غیرورزشی
برای تجزیه و تحلیل اطلاعات پژوهش، میزان تفاوت دو گروه مدیران ورزشی و غیرورزشی در رابطه با هر یک از متغیرهای تحقیق، بطور جداگانه مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که متغیرهای مورد بررسی از نوع متغیرهای کیفی بودند، لذا برای تجزیه و تحلیل آنها از آزمون همگنی کای اسکوئر استفاده شد.

- ۱- بررسی متغیر تمایلات پرخاشگرانه در دو گروه مدیران ورزشی و غیرورزشی:
با توجه به موارد فوق، ابتدا به بررسی تفاوت دو گروه مدیران ورزشی و غیرورزشی در متغیر «تمایلات پرخاشگرانه» اقدام گردید.

جدول شماره (۲) فراوانی دو گروه آزمودنی را در رابطه با این متغیر نشان میدهد:



گروه / متغیر	پرخاشگر	غیر پرخاشگر	جمع
مدیران ورزشی	۱۱	۳۴	۴۵
مدیران غیرورزشی	۸	۳۸	۴۶
جمع	۱۹	۷۲	۹۱

جدول (۲) فراوانی امتیاز دو گروه مدیران ورزشی و غیرورزشی در متغیر تمایلات پرخاشگرانه

فرضیه صفر:

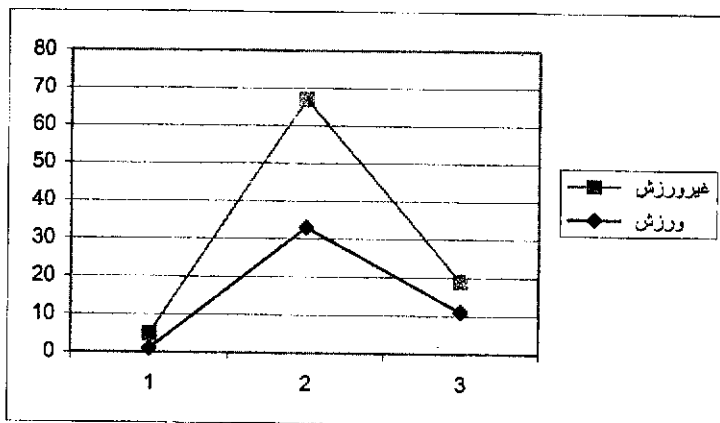
فرضیه صفر این تحقیق عبارتست از اینکه بین مدیران ورزشی و غیرورزشی از نظر تمایلات پرخاشگرانه تفاوتی وجود ندارد و از این نظر مشاهده.

نحوه محاسبه اطلاعات:

پس از محاسبه اطلاعات فوق با روش آزمون همگنی کای اسکوتر درجه آزادی مساوی $d.f = 1$ و مقدار کای اسکوتر بحرانی با درجه آزادی یک و سطح خطای $0/01$ مساوی $6/63$ بدست آمد. مقدار کای اسکوتر محاسبه شده مساوی با $0/71$ حاصل گردید.

نتیجه:

چون کای اسکوتر محاسبه شده ($0/71$) در ناحیه H قرار گرفته است پس با اطمینان 99% می توان گفت فرضیه صفر پذیرفته شده است یعنی بین دو گروه مدیران ورزشی و غیر ورزشی از نظر تمایلات پرخاشگرانه تفاوتی وجود ندارد یا به عبارتی دیگر، علی رغم نتیجه تحقیقات مختلفی که ورزشکاران حرفه ای را حائز میزان پرخاشگری بیشتری نسبت به غیر ورزشکاران نشان می دهد، مدیران ورزشی در مقایسه با مدیران غیرورزشی پرخاشگرتر نمی باشند و تفاوت بین این دو گروه از نظر متغیر مورد نظر معنی دار نیست. پس فرضیه تحقیق مبنی بر مشابهت مدیران ورزشی و غیر ورزشی در دارا بودن تمایلات پرخاشگرانه پذیرفته می شود.



نمودار (۱) فراوانی متغیر تمایلات پرخاشگرانه در دو گروه مدیران ورزشی و غیرورزشی

۲- بررسی متغیر بروز رفتارهای پرخاشگرانه در دو گروه مدیران ورزشی و غیرورزشی:

در این بخش به بررسی تفاوت دو گروه مدیران ورزشی و غیر ورزشی در متغیر بروز رفتارهای پرخاشگرانه پرداخته می‌شود.

جدول شماره (۳) فراوانی دو گروه آزمودنی را در رابطه با این متغیر نشان میدهد:

گروه / متغیر	بروز پرخاشگری	عدم بروز پرخاشگری	جمع
مدیران ورزشی	۷	۳۸	۴۵
مدیران غیرورزشی	۵	۴۱	۴۶
جمع	۱۲	۷۹	۹۱

جدول (۳) فراوانی امتیاز دو گروه مدیران ورزشی و غیرورزشی در متغیر بروز رفتار پرخاشگرانه

فرضیه صفر:

فرضیه صفر در این تحقیق عبارتست از اینکه بین مدیران ورزشی و غیرورزشی از نظر بروز رفتارهای پرخاشگرانه تفاوتی وجود ندارد و از این نظر مشابهند.

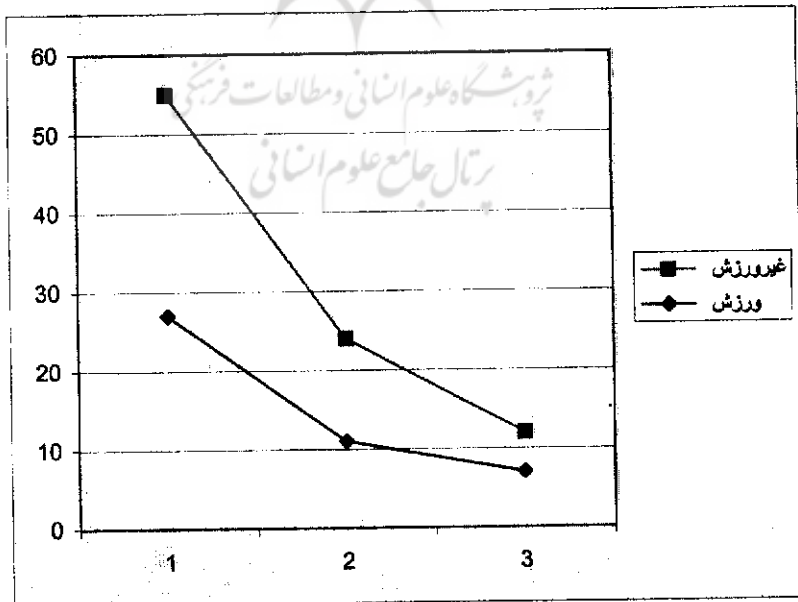
نحوه محاسبه اطلاعات:

از محاسبه اطلاعات فوق با روش آزمون همگنی کای اسکور درجه آزادی مساوی $d.f = 1$

و مقدار کای اسکوتر بحرانی با درجه آزادی یک و سطح خطای ۰/۰۱ مساوی ۶/۶۳ بدست آمد. مقدار کای اسکوتر محاسبه شده مساوی با ۰/۴۱ حاصل گردید.

نتیجه:

چون کای اسکوتر محاسبه شده (۰/۴۱) در ناحیه H قرار گرفته است پس با اطمینان ۹۹٪ می توان گفت فرضیه صفر پذیرفته شده است یعنی بین دو گروه مدیران ورزشی و غیر ورزشی از نظر بروز رفتارهای پرخاشگرانه تفاوتی وجود ندارد. به عبارتی دیگر مدیرانی که دارای سوابق قابل توجهی در فعالیتهای ورزشی حرفه ای هستند، رفتارهای خشونت آمیز و پرخاشگرانه ای بیش از مدیران دیگر نداشته اند. یعنی مشارکت آنها در فعالیتهای ورزشی حرفه ای موجب نشده است که آنها در خانواده، اجتماع یا محیط کار خود اقدام به رفتار پرخاشگرانه نمایند و یا این امر در عملکرد آنها و یا نحوه ارتباط آنها با سایرین تأثیری خاص و متفاوت از آنچه سایر مدیران دارند، نشده است و به این ترتیب فرضیه تحقیق مبنی بر عدم وجود تفاوت بین دو گروه مدیران ورزشی و غیرورزشی در میزان بروز رفتارهای پرخاشگرانه پذیرفته می گردد.



نمودار (۲) فراوانی متغیر بروز رفتارهای پرخاشگرانه در دو گروه مدیران ورزشی و غیرورزشی

- بررسی متغیر کنترل خشم و رفتارهای پرخاشگرانه در دو گروه مدیران ورزشی و غیرورزشی:

در این بخش به بررسی تفاوت دو گروه مدیران ورزشی و غیر ورزشی در متغیر کنترل خشم و رفتارهای پرخاشگرانه پرداخته می‌شود.

جدول شماره (۴) فراوانی دو گروه آزمودنی را در رابطه با این متغیر نشان می‌دهد:

گروه / متغیر	کنترل خشم	عدم کنترل خشم	جمع
مدیران ورزشی	۳۶	۹	۴۵
مدیران غیرورزشی	۲۳	۲۳	۴۶
جمع	۵۹	۳۲	۹۱

جدول (۴) فراوانی امتیاز دو گروه مدیران ورزشی و غیرورزشی در متغیر کنترل خشم و رفتارهای پرخاشگرانه

فرضیه صفر:

فرضیه صفر در این تحقیق عبارتست از اینکه بین مدیران ورزشی و غیرورزشی از نظر کنترل خشم و رفتارهای پرخاشگرانه تفاوتی وجود ندارد و از این نظر مشابهند.

نحوه محاسبه اطلاعات:

پس از محاسبه اطلاعات فوق با روش آزمون همگنی کای اسکوتر درجه آزادی مساوی $d.f = 1$ و مقدار کای اسکوتر بحرانی با درجه آزادی یک و سطح خطای 0.01 مساوی 6.63 بدست آمد.

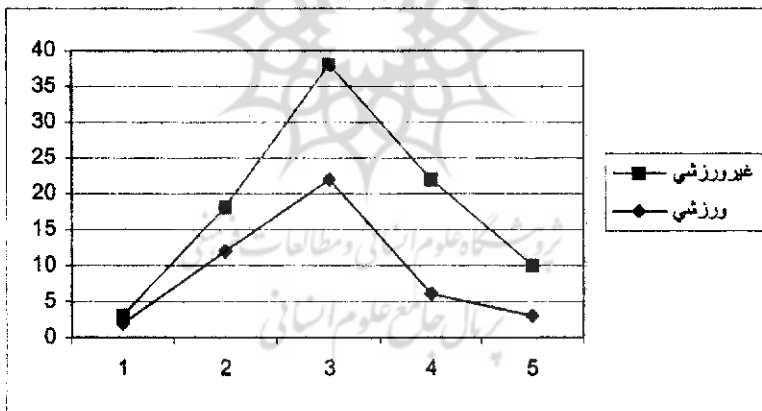
مقدار کای اسکوتر محاسبه شده مساوی با 5.33 حاصل گردید.

نتیجه:

چون کای اسکوتر محاسبه شده (۵/۳۳) در ناحیه H قرار گرفته است پس با اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت فرضیه صفر پذیرفته شده است یعنی بین دو گروه مدیران ورزشی و غیر ورزشی از نظر کنترل خشم و رفتارهای پرخاشگرانه تفاوتی وجود ندارد. یعنی مشارکت طولانی در فعالیتهای ورزشی حرفه ای مانع از عدم توانایی کنترل تمایلات پرخاشگرانه در مدیران ورزشی نشده و این گروه از نظر متغیر مورد بررسی تفاوت معنی داری با مدیران غیرورزشی ندارند و ورزشکار حرفه ای بودن موجب ایجاد مدیران ورزشی پرخاشگرتر در مقایسه با مدیران غیرورزشکار نشده است.

نمودار (۲) فراوانی متغیر کنترل خشم و رفتارهای پرخاشگرانه در دو گروه مدیران ورزشی

و غیرورزشی



نتیجه گیری کلی:

مطالعه نتایج حاصل از تحقیقات مختلفی که بر روی ورزشکاران حرفه ای صورت گرفته (به پیشینه تحقیق مراجعه نمایید)، حاکی از آن است که ورزشکاران حرفه ای از نظر رعایت شئون اخلاقی و نیز ارائه رفتارهای خشونت آمیز در مقایسه با غیرورزشکاران از درجات پایین تری برخوردارند و حتی این افراد رفتارهای پرخاشگرانه را نه تنها در میدانی مسابقات ارائه می‌دهند بلکه این نوع رفتارها را در زندگی خانوادگی و اجتماعی خود نیز نشان می‌دهند.

لذا بررسی این امر که آیا اگر ورزشکار حرفه ای در پستهای مدیریتی اشتغال ورزد نیز ممکن است تمایلات پرخاشگرانه بیشتر و بالطبع آن رفتارهای پرخاشگرانه بیشتری نسبت به سایر مدیران نشان دهد، اهمیت می یابد.

در تحقیق حاضر ۴۵ نفر از مدیران ورزشی مختلفی از دانشگاههای سطح استان تهران، مازندران و اهواز با سوابق درخشانی از فعالیتهای ورزشی حرفه ای از نظر متغیر پرخاشگری که به صورت سه فاکتور مختلف تجزیه گردید و با استفاده از پرسشنامه، در مقایسه با ۴۶ نفر از مدیران مؤسسات غیرورزشی مورد بررسی قرار گرفتند. متغیرهای تحقیق عبارت بودند از: وجود تمایلات پرخاشگرانه، بروز رفتارهای پرخاشگرانه و بالاخره کنترل تمایلات و رفتارهای پرخاشگرانه.

با تکیه بر نتایج تحقیقات مختلفی که ورزشکاران حرفه ای را از نظر متغیر پرخاشگری با سایر افراد مقایسه نموده است، فرضیه هایی برای این پژوهش تعیین گردید که در آنها ورزشکاران حرفه ای که حداقل ۵ سال در پست مدیریت سازمانها و مؤسسات ورزشی انجام وظیفه نموده اند را با مدیران سایر مؤسسات که هیچگاه فعالیت ورزشی مستمری نداشته اند از نظر متغیرهای تحقیق مورد مقایسه قرار داده اند.

فرضیه اول این پژوهش که عبارتست از اینکه بین مدیران ورزشی و غیرورزشی از نظر تمایلات پرخاشگرانه تفاوت وجود ندارد و از این نظر مشابهند در پی محاسبات مورد پذیرش قرار گرفت و مشخص گردید که بین دو گروه مدیران ورزشی و غیرورزشی از نظر میزان تمایلات پرخاشگرانه تفاوت معنی داری وجود ندارد و به عبارتی دیگر مشارکت در ورزش حرفه ای موجب نشده است که مدیران ورزشکار دارای تمایلات پرخاشگرانه بیشتری در قیاس با مدیران غیرورزشکار باشند.

فرضیه دوم این پژوهش که عبارتست از اینکه بین مدیران ورزشی و غیرورزشی از نظر بروز رفتارهای پرخاشگرانه تفاوتی وجود ندارد نیز با بررسی نتایج محاسبات پذیرفته گردید. پس مدیران ورزشی صرفاً به دلیل مشارکت طولانی در فعالیتهای ورزشی حرفه ای، رفتارهای پرخاشگرانه بیشتری در مقایسه با سایر مدیران بروز نمی دهند و ورزش حرفه ای موجب تبدیل آنها به یک فرد پرخاشگر در محیط کار، خانواده و در مناسبات اجتماعی و در رابطه با اطرافیان نشده است.



فرضیه سوم این پژوهش که عبارتست از اینکه بین مدیران ورزشی و غیرورزشی از نظر کنترل خشم و رفتارهای پرخاشگرانه تفاوت وجود ندارد و از این نظر مشابهند نیز پس از انجام محاسبات مربوطه پذیرفته شد. به این ترتیب مشخص شد که مدیران ورزشی از نظر کنترل رفتارهای پرخاشگرانه نسبت به مدیران غیرورزشی دچار نقصان نمی باشند و بین آنها از این نظر تفاوتی وجود ندارد. به عبارت بهتر، ورزشکاران حرفه ای که با سمت مدیر انجام وظیفه می کنند مانند سایر مدیران قادر به کنترل خشم خود و در نتیجه اداره رفتارهای خویش می باشند.

با بررسی نتایج حاصل از محاسبه داده های پژوهش مشخص می گردد که بین دو گروه مدیران ورزشی و غیرورزشی از نظر متغیرهای مورد بررسی تفاوتی وجود ندارد و هر دو گروه از نظر این متغیرها مشابهند و به عبارتی دیگر بین فعالیت ورزشی حرفه ای و تمایلات پرخاشگرانه، بروز رفتارهایی خشنوت بار و نیز کنترل خشم در مدیران ورزشی رابطه معنی داری وجود ندارد و فعالیت های ورزشی حرفه ای موجب پرخاشگرتر بودن آنها در مقایسه با سایرین نشده است.

به عبارتی شاید دستاورد این تحقیق نتایج تحقیقات مختلفی که توسط صاحب نظرانی چون شیلدز، آل بوهلر و سایرین که در پیشینه تحقیق به آنها اشاره شده است را رد می کند. عدم قاطعیت در ارائه جمله اخیر می تواند به این علت باشد که شاید قرارگیری ورزشکار حرفه ای در پست مدیریتی به دلیل مسئولیتی متفاوت از آنچه او همواره در تیمهای ورزشی داشته است موجب گردیده که تمایلات و نیز نوع رفتارهای او نیز تفاوت یابد و یا شاید از آنجا که تحقیقات فوق در کشورهای غربی صورت گرفته است، و چون نوع و ساختار ورزش حرفه ای در کشورهای غربی بسیار متفاوت از کشور ما می باشد پس ورزشکار حرفه ای در این کشورها می تواند واجد خصوصیتی بسیار متفاوت از ورزشکاران حرفه ای ایرانی باشد. لذا شاید بتوان نتیجه گرفت که الزاما ورزشکاران حرفه ای در کشور ما پرخاشگر نیستند پس بالطبع آن مدیران مؤسسات ورزشی در این کشور نیز پرخاشگرتر از سایر مدیران نمی باشند.

به هر حال نتایج این تحقیق احتمالا موجبات نگرانی بابت انتخاب افرادی پرخاشگر در پستهای مدیریت ورزشی در کشورمان را زایل می نماید و شاید بتوان همچنان بر این عقیده که ورزش موجب ایجاد صفات پهلوانی، شهامت، شجاعت، ایثار،... در افراد می گردد، ایمان داشت

و لذا شاید انتخاب چنین مدیرانی در عرصه ورزش کشور موجب اشاعه مناسب ورزش گردد. در انجام این تحقیق مشکلاتی نیز وجود داشت که مانع از جمع‌آوری اطلاعات کافی و مناسب در این تحقیق گردید. این محدودیتها عبارت بودند از:

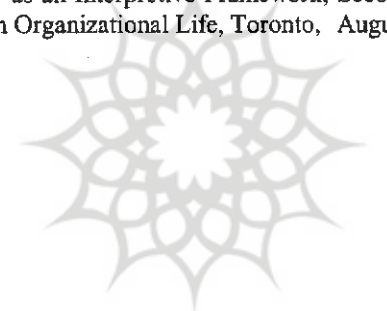
- ۱- دسترسی به مدیران ورزشی که در فعالیتهای ورزشی حرفه‌ای به مدت طولانی شرکت داشته باشند، بسیار دشوار بود.
- ۲- دسترسی به مدیرانی که هم بیش از ۵ سال سابقه مدیریت داشته و جزء ورزشکاران حرفه‌ای نیز باشند، بندرت امکان پذیر بود.
- ۳- تعدادی از مدیران ورزشی که دارای دو خصوصیت فوق بودند، در زمان انجام این پژوهش بازنشسته بودند.





منابع

- ۱- رضاخانی ضیالالدین. معرفی پرسشنامه خشم، شرکت نشر آزمون، ۱۳۷۹.
- ۲- کشکر، سوری و اصانلو، پرستو. روانشناسی ورزشی، انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۴
- ۳- دلاور، علی. روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، نشر ویرایش، ۱۳۸۱.
- ۴- سرمد، زهره. روشهای تحقیق در علوم رفتاری، نشر آگه، ۱۳۷۶
- 5- Store Antoni, Understanding Yourself, published by Signet, 1998
- 6- Rottella Bob, Sport Psychology, Jones and Barlett publisher, 1998
- 7- Jarvis Matt, Sport Psychology, Routledge publisher, 2000
- 8- Theresa M. Glomb, Workplace Anger, Aggression, and Affect: Using Affective Events Theory as an Interpretive Framework, Second International Conference on Emotions in Organizational Life, Toronto, August 10, 2000



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی